

# وقتی از عشق حرف می‌زنیم

ریموند کارور

ترجمه‌ی

پریسا سلیمان‌زاده - زیبا گنجی



آنشارات فروارید

## فهرست

- پیشگفتار..... ۷
- آنها شوهر تو نیستند..... ۱۹
- همسایه‌ها..... ۲۹
- نمایاب..... ۳۹
- وقتی از عشق حرف می‌زنیم، از چه دم می‌زنیم؟..... ۴۵
- چرا نمی‌رقصید؟..... ۶۵
- کوچکترین چیزها را می‌دیدم..... ۷۳
- پرها..... ۷۹
- یک چیز دیگر..... ۱۰۹
- تب..... ۱۱۵
- جمع‌آوران..... ۱۵۱
- پاکت‌ها..... ۱۶۱
- یک صحبت جدی..... ۱۷۳
- راه و رسم عام..... ۱۸۳
- یک چیز خوب ناچیز..... ۱۸۷
- کوپه..... ۲۲۵
- کلیسای جامع..... ۲۳۹

## پیشگفتار

ریموند کارور در سال ۱۹۳۹ در کلاتسکانی ایالت اورگون امریکا به دنیا آمد. در پورت آنجلس زندگی کرد و در دوم اوت ۱۹۸۸ در همان جا درگذشت.

تا سال ۱۹۷۹ دو جایزه مهم ملی<sup>۱</sup>، و در سال ۱۹۸۳ جایزه معتبر دیگری<sup>۲</sup> نصیبش شد. دو سال بعد جایزه لوینسون<sup>۳</sup> مجله شعر را برد. در سال ۱۹۸۸ به عضویت آکادمی هنر و ادبیات امریکا درآمد و همان سال دکترای افتخاری دانشگاه هارتفورد را گرفت. کارور پانزده سال در دانشگاه‌های امریکا تدریس کرد و آثارش شامل سه مجموعه شعر، سه مجموعه داستان و چندین مقاله و مصاحبه می‌شود که به بیش از بیست زبان ترجمه شده است.

کارور در هجده سالگی با ماریان بارک، دختری شانزده ساله ازدواج کرد و طی دوسال صاحب دو فرزند شد. با وجود اشتیاقی که به ادامه تحصیل داشت، مجبور شد برای تأمین معاش به کارهایی

---

1. National Endowment for the Arts

2. Mildred and Harold strus living Award

3. Levinson Prize

طرفی نداشتن فرصت، او را به نوشتن شعر و داستان کوتاه واداشت. خودش در این‌باره گفته: «معمولاً فرصت یا جرأت کار روی آثار بلند را نداشتم. وضعیت زندگی‌ام اجازه چنین کاری را نمی‌داد. شرایط زندگی‌م با این بچه‌ها چیز دیگری ایجاب می‌کرد. اگر می‌خواستم چیزی را بنویسم و تمام کنم و اگر می‌خواستم از کار تمام شده راضی باشم باید می‌چسبیدم به شعر و داستان کوتاه، به کارهای کوتاه، تا بتوانم در یک یا حداکثر دو نشست تمامشان کنم. البته منظورم تحریر اول است. برای بازنویسی حوصله زیادی دارم.»

کارور در پاییز سال ۱۹۵۸ در کالج ایالتی چیکو، در کلاس مقدماتی داستان‌نویسی اسم نوشت و با جان گاردنر که مدرس آنجا بود آشنا شد. گاردنر در مقام استاد، داستان‌های کارور را اصلاح می‌کرد و حتی کلید دفترش را به او داده بود تا تعطیلات آخر هفته جایی برای نوشتن داشته باشد. در این دوران گاردنر تأثیر عمیقی بر شیوه‌ی کار و سبک کارور گذاشت: «به من می‌گفت موقع بیان هر چیز، خیلی مهم است که کلمات درست به کار ببرم. هیچ ابهامی در کار نباشد. مدام در مغزم فرو می‌کرد که کاربرد زبان رایج، زبان محاوره که با آن صحبت می‌کنیم، چقدر اهمیت دارد. کم‌کم کرد بفهمم چقدر مهم است که دقیقاً همان چیزی را بگویم که می‌خواهم و نه چیز دیگر. کلمات ادبی یا شبه شاعرانه به کار نبرم. یادم داد فشرده بنویسم. به من فهماند که در یک داستان کوتاه همه چیز مهم است. جای قرارگرفتن نقطه و ویرگول هم پیامدهایی دارد.» در آن دوران توصیه‌های گاردنر دقیقاً همان چیزهایی بود که کارور نیازشان داشت. این تأثیر به حدی بود که به گفته‌ی خود کارور حتی سال‌ها بعد، او گاردنر را ناظر بر کارها و نوشته‌های خود حس می‌کرد و به

آموزه‌های او پایبند بود.

پس از گاردنر، گوردون لیش روی بازخوانی و پیرایش کلامی او تأکید می‌کرد. لیش ویراستار مجله‌ی اسکوائر بود و بعد از پس فرستادن چندین داستان کارور، بالاخره در پاییز ۱۹۷۰ اول داستان همسایه‌ها و بعد چندین داستان دیگر را ویراست و در مجله چاپ کرد. داستان «همسایه‌ها» تأثیر لیش را بر سبک او نشان می‌داد. به عقیده کارور «لیش نگاهی شگفت‌انگیز داشت، درست مثل گاردنر.» گاردنر به او توصیه می‌کرد که داستان را به جای بیست و پنج کلمه در پانزده کلمه بنویسد و لیش با اعتقاد کامل به این شعار مینی‌مالیسم که «هرچه کمتر بهتر»<sup>۱</sup>، می‌گفت اگر می‌توانی به جای پانزده کلمه در پنج کلمه حرفت را بزنی، همان پنج کلمه را بگو. با راهنمایی‌های لیش بود که قصه‌های کارور به قول خودش، نه تا استخوان که تا مغز استخوان تراشیده و با ایجاز و کم‌گویی کوتاه و کوتاه‌تر شد.

اما نویسندگان بزرگ دیگری هم بر آثار او تأثیر گذاشته‌اند، از جمله همینگوی، چخوف، کافکا و جویس. کارور در مصاحبه‌هایش بارها شعار پیش کسوتش، همینگوی را تکرار کرد: «نثر به مثابه‌ی معماری است نه در حکم تزیینات داخلی.» جملات همینگوی از نظر او شعرگونه بودند و ضرب‌آهنگ داشتند. کارور روشنی ساده و بی‌پیرایه سبک همینگوی را با نگاه ساده و طنزآمیز چخوف به زندگی و لحن پرایهام کافکا درهم آمیخت. اما با وجود این سادگی و روایت به ظاهر بدون نقطه‌ی عطف، داستان‌های کارور دارای اشراق و تجلی (epiphany) جویسی هستند: شهود پنهان در پس زندگی عادی. شاید ایجاز و روشنی سبک کارور به این نکته هم ارتباط داشته باشد که او

1. Less is much